

# زندگی بی عشق مرگ آدم است

گپ و گفتی با جهانگیر نجفیان، مدیر سابق  
دبیرستان دوره اول استعدادهای درخشان بهبهان

نصرالله دادار



ل  
عشق یعنی پای انسان لنگ نیست  
عشق یعنی عرصه دل تنگ نیست  
عشق یعنی صبر کردن در بلا  
تا بگیرد دل به سختی‌ها جلا  
عشق یعنی همچو گل پرپر شوی  
فارغ از دنیا و دین یک سر شوی  
عشق باران در کویر زندگی است  
بهر انسان مایه تابندگی است  
عشق برگ اعتبار عالم است  
زندگی بی عشق مرگ آدم است

ایات بالا بخشی از «مثنوی عشق» سروده، مدیریت سابق  
دبیرستان دوره اول استعدادهای درخشان شهید بهشتی  
شهرستان بهبهان است. جهانگیر نجفیان قریب ۳۰ سال است  
که در آموزش و پرورش، کار معلمی و مدیریت را با هنر درآمیخته  
و به مدد شعر و خوشنویسی - که هنر اوست - توانسته است  
وظایفش را به نحو مؤثر و ثمربخشی انجام دهد. او معتقد است  
که یک مدیر واقعی همواره امیدوار است و هیچ گاه مشکلات را  
حل نشدنی تصور نمی‌کند، بلکه ایمان دارد که انسان با توانمندی  
و قدرتی که خدا به او عطا کرده، قادر است همه مشکلات  
عرصه‌های کار و زندگی را حل کند و کارهایش را به پیش ببرد.  
در ادامه، گفت و گویی ما را با ایشان، که اکنون بازنشسته شده‌اند،  
می‌خوانید.

پرائزی کنم، در روزهای تولدشان، برای آن‌ها جشن می‌گرفتم و شعر می‌گفتم و اشعارم را با خط خوش می‌نوشتم و به آن‌ها هدیه می‌دادم. برای کارکنان مدرسه و حتی مستخدم مدرسه هم این کار را می‌کردم. علاوه‌بر این، برنامه‌های زیارتی و تفریحی برای آن‌ها تدارک می‌دیدم. این کارها باعث شده بود که یک فضای عاطفی و صمیمی بر مدرسه حاکم شود؛ طوری که اگر مشکلی برای یکی از معلمان پیش می‌آمد، دیگران فوراً با همراهی و همکاری جای او را پرمی کردند تا مشکلش برطرف شود. این فضای عاطفی و صمیمی موجب شده بود که حتی اگر از معلمان بخواهیم که شب یا روز تعطیل هم سرکار ببایند، قبول می‌کردند و می‌آمدند.

من نه تنها در کار مدیریت، بلکه در تدریس و آموزش هم از هنر استفاده می‌کدم و محتوای دروس را با هنر و شعر درمی‌آمیختم و به بچه‌ها درس می‌دادم. همین کار موجب جذابیت آموزش در کلاس درس می‌شد. شاید یکی از دلایل این امر این است که هنر به فطرت انسان نزدیک است و می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

### لچگونه شاعر شدید و شعر گفتید؟

ه من از دوره دبیرستان ذوق شعری داشتم و دوست داشتم شعر بگویم. کتاب‌های شعر زیاد می‌خواندم و شعر هم می‌گفتم اما این ذوق و توان در دوران تربیت معلم در سمنان هر چه بیشتر و بهتر شکل گرفت و من از آنجا در کنگره شعر استان اصفهان شرکت کردم و به عنوان شاعر نمونه سمنان انتخاب شدم.

### لچه کسانی در این زمینه مشوق شما بودند؟

ه آقای دکتر سرحدی هم در زمینه شعر و هم در زمینه خوشنویسی مشوق من بوده است.

### لدر خوشنویسی چه مراحلی را طی کرده‌اید؟

ه من همه مراحل خوشنویسی از متوسط تا خوش، عالی و ممتاز را در انجمن خوشنویسان ایران گذرانده و مدارک آن‌ها را کسب کرده‌ام.

### لاعمار شما به صورت کتاب هم چاپ شده است؟

ه اشعارم را در سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری کردم و با همکاری و راهنمایی آقای دکتر سرحدی در کتابی با عنوان «وقتی شعله‌ور می‌شوم» به چاپ رساندم. جلد دوم کتاب اشعار من نیز به زودی چاپ خواهد شد.

ه کتاب «وقتی شعله‌ور می‌شوم» شامل غزل، رباعی، دوبیتی و مثنوی است.

### ل مدیریت در مدارس استعدادهای درخشان سخت‌تر است یا مدارس عادی؟

ه کار کردن در مدارس خاص مشکل‌تر از مدارس عادی و معمولی است و ظرافت و دقت نظر خاص خود را می‌طلبد، چون اولاً توقع و انتظارات از این مدارس بالاتر و بیشتر است. ثانیاً قدرت

### لچطور شد که شما را به عنوان مدیر مدرسه استعدادهای درخشان انتخاب کردند؟

ه من زمانی که به عنوان مدیر مدرسه استعدادهای درخشان برگزیده شدم، ۲۳ سال سابقه داشتم که ۱۷ سال آن در پست معاون تربیتی مدارس بود. براین اساس، تا حدود زیادی با مسائل مدارس آشنا بودم. شاید به همین دلیل بوده است که مسئولیت این مدرسه را به من واگذار کردند.

### لتعريف شما از مدیریت چیست؟

ه مدیریت نوعی هنر، خلاقیت و آفرینش فکری است که در جهت پیشبرد برنامه‌ها و اهداف یک سازمان به کار گرفته می‌شود. مدیریت هنری است که به باری آن سخت‌ترین مسائل یک سازمان با روش‌های درست و مناسب حل می‌شود. مدیریت این نیست که در انتظار بنشینیم تا بخشنامه‌ها و مقررات ابلاغ شود و ما آن‌ها را اجرا کنیم. مدیریت، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، رهبری و نظارت دقیق بر انجام آن‌هاست. ایجاد فضای روحی-روانی مناسب برای فعالیت معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان یکی از وظایف مهم مدیران مدارس است. فضایی که معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان در آن احسان نشاط و شادابی کنند و انگیزه‌های کاری آن‌ها دوچندان شود. مدیریت، نبوغ فکری، نوآوری و مشارکت دادن همه نیروها و استفاده حداکثری از آن‌ها در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های مدرسه است.

### لبه نظر شما، بین مدیریت و هنر چه نقاط مشترکی

ه وجود دارد؟ شما بین این دو چه پیوندی برقرار می‌کنید؟

ه مدیریت، خود نوعی هنر و هنرمندی است. مدیریت و هنر هر دو خلاقانه و نوآورانه‌اند. به اعتقاد من، مدیریت نیازمند هنرمندی است و بدون هنر نمی‌توان مدیریت کرد. همان‌طور که هنر یک روح زنده است و نفس می‌کشد، مدیریت هم امری زنده و پویاست. هنر از ملزمات مدیریت است. وجه مشترک مدیریت و هنر این است که هر دو بپیاو و خلاق‌اند. ایستانا نیستند و دائم در حرکت‌اند؛ دائم در حال تغییر و شدن هستند.

### لشما از ذوق هنری خود در مدیریت چه استفاده‌ای کرده‌اید؟

من نه تنها در این سال‌ها که مدیر مدرسه استعدادهای درخشان بوده‌ام بلکه در همه دوران کاری‌ام در آموزش و پرورش، چه در معلمی، چه در امور پرورشی و چه در مدیریت، از هنر بهره برده‌ام. با هنر خوشنویسی و شعر، همواره فضای مناسبی برای یادگیری دانش‌آموزان و تقویت انگیزه‌های همکارانم ایجاد کرده‌ام. همواره همه کارهایم را با هنر درآمیخته‌ام و نتایج بسیار خوبی هم از این کار گرفته‌ام.

ه هنر به هر کاری روح و نشاط و شادابی می‌بخشد. من برای اینکه فضای روحی معلمان را عوض و آن‌ها را شاد و

گیرایی و تأثیرپذیری  
دانشآموزان در این  
مدارس بالاتر است و  
کمترین بی توجهی  
در کارهای علمی  
و تربیتی، خسارت  
جبران ناپذیری خواهد  
داشت.

## دستاوردهای شما در مدرسه راهنمایی

استعدادهای درخشان شهید بهبهان چیست؟

۱. چند مورد از این دستاوردها عبارتند از:

۱. کسب رتبه‌های برتر علمی و فرهنگی شهرستانی، استانی و کشوری دانشآموزان در سال‌های متتمادی؛

۲. تربیت دانشآموزان نخبه و تیزهوش شهرستان بهبهان در ابعاد مختلف علمی، اخلاقی و معنوی در سطح منطقه؛

۳. برگزاری نمایشگاه‌های دست‌ساخته‌های دانشآموزان خلاق و مبتکر؛

۴. فارغ‌التحصیل شدن دانشآموزان تیزهوش از این مدرسه با رتبه‌های علمی بسیار بالا (رتبه‌های اول شهرستان)؛

۵. شناസایی دانشآموزان نخبه بی‌بضاعت (مالی) و حمایت همه‌جانبه بسیاری از آن‌ها تا کسب مقام‌های برتر علمی؛

۶. ایجاد پیوند بسیار قوی و صمیمی بین اولیاً و معلمان یا خانه و مدرسه؛ این مسئله باعث می‌شد خانواده‌ها برای پیشرفت کارها به مدرسه بسیار کمک کنند.

**L** به نظر شما، مدیران موفق چه ویژگی‌هایی دارند؟

۱. مهم‌ترین ویژگی مدیران موفق، برخورداری از روحیه امیدواری و عشق به انجام وظایف است. اگر کسی بخواهد در کاری موفق شود، باید امیدوار و عاشق آن کار باشد. بدون امید نمی‌توان در هیچ کاری موفق شد. هر مدیری باید امیدوار باشد که مشکلات حل شدنی هستند و هر کدام راه حلی دارند. هیچ مسئله و مشکلی نیست که راه حل نداشته باشد. یک مدیر موفق حتماً نیازمند چنین روحیه‌ای است. در واقع، بدون عشق و امید، هیچ کاری پیش نمی‌رود.

من هیچ مشکلی را در زندگی لایحل نمی‌دانم و سخت‌ترین مشکلات و مسائل زندگی فردی و حرفاً خودم را، بهخصوص در دوران مدیریت مدرسه، با امیدواری حل کرده‌ام.

دومین ویژگی یک مدیر موفق، صبوری در مقابل سختی‌های است. هر کار سختی‌های خاص خودش را دارد، بهخصوص مدیریت، ولی باید توجه داشته باشیم که همین سختی‌ها باعث رشد ما می‌شوند. مدیر موفق در مقابل مسائل و مشکلات زود تسلیم نمی‌شود و عقب‌نشیبی نمی‌کند. سومین ویژگی مدیر موفق، خلاق بودن و داشتن نوع فکری برای حل مسائل است. مدیر مدرسه نباید کارهایش را فقط از طریق مقررات و ضوابط خشک اداری

# عشق‌عنی پای انسان نگشته

# عشق‌عنی عرصه دل‌تگشته

خط: شهزاده‌نیا

پیش ببرد. او باید خود به نوآوری و ابداع دست بزند و برای مسائلی که با آن‌ها رو به روس است، راه حل‌های جدیدی کشف کند.

پیش‌تازی و پیشروی در انجام امور، یکی دیگر از ویژگی‌های

یک مدیر موفق است. مدیر موفق وقتی به ضرورت انجام کاری پی‌می‌برد، خودش زودتر از همه، آن را اجرا می‌کند. به عبارتی، او اولین کسی است که دستبه‌کار می‌شود. مدیری که فقط دستور بدده و از دیگران کار بخواهد، مدیر موفقی نخواهد بود. مدیر باید توجه داشته باشد که همواره زیر ذره‌بین معلمان و کارکنان مدرسه است. ضمن اینکه همه آدم‌ها زیر ذره‌بین خدا هم هستند.

بنابراین، باید توجه داشته باشد که همکاران وی مرتب او را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و دقت دارند که آیا خصوصیات پسندیده‌ای دارد یا خیر.

مشارکت دادن معلمان و همکاران و حتی دانشآموزان در کارها، تقویت اختیار به همکاران و معاونان و ایجاد زمینه رشد آن‌ها، استفاده از تجربه مدیران موفق، ترویج اخلاق حرفه‌ای و حسنی در محیط کار، تقدیر از دیگران و کارکنان فعل و برنامه‌ریز و طراح، و انتخاب افراد مجبوب و قوی برای همکاری، بخش دیگری از ویژگی‌های یک مدیر موفق است.

**L** به نظر شما، مدیریت چه چیزهایی نیست؟

۱. سؤال خوبی است. من ۲۵ سال در مدارس مختلف بوده‌ام. اتفاقاً قبل از اینکه خودم مدیر مدرسه استعدادهای درخشان شوم، از برخی رفთارهای مدیران مدارس تعجب می‌کردم و همیشه در این فکر بودم که اگر روزی مدیر مدرسه شوم، این رفთارها را نباید داشته باشم.

برای مثال، در یکی از مدارس مطرح بهبهان، مدیری داشتیم که صبح‌ها وقتی وارد دفتر مدیره می‌شد، با وجود اینکه همکاران نشسته بودند، سلام نمی‌کرد. من در آن زمان معاون تربیتی مدرسه بودم و دیگران معمولاً می‌آمدند و با من در دل می‌کردند که مدیر مدرسه سلام کردن بلد نیست و سلام نمی‌کند. احساس می‌کنم که او دچار غرور کاذب شده است که آن را این‌گونه بروز می‌دهد. از طرف دیگر، این مدیر وقتی در تابستان می‌خواست اضافه کار همکاران را بنویسد، برای خودش که با خانواده به سفر زیارتی رفته بود و اصلاً در مدرسه نبود، دو برابر ما که در مدرسه مانده و کار کرده بودیم، اضافه کار می‌نوشت و من تعجب می‌کردم که چرا برداشت او از مدیریت چنین است.

**L**